

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران
داودبهلولی: تشیع در ترکیه ریشه تاریخی دارد و به دوران پیش از تشکیل سلسله صفویه بازمی‌گردد.
چگونگی پیدایش مذهب شیعه یا پیشینه آن
پیش از آنکه مردم ترکیه اسلام بپذیرند، پیرو نظام اعتقادی «شامانیسم» بوده و برخی نیز پیرو ادیانی چون زرتشتی، بودایی، یهودیت و مسیحیت بودند؛ به همین جهت، هرگز تا پیش از پذیرش دین اسلام، اتحاد و اتفاق لازم از طریق پذیرش دین واحد و مشترک را به دست نیاوردند.
پس از آنکه ترکان شکل تسنن اسلام را پذیرفتند، در زمان خواجه علی، نوه شیخ صفی الدین اردبیلی با مذهب تشیع آشنا شدند.
«شیخ شاه»، پس از درگذشت خواجه علی، رهبر شیعیان شد و پس از او پسر شیخ؛ یعنی «جنید» رهبر شیعیان در ایران شد که این امر نقطه عطفی در نفوذ تشیع در آسیای صغیر است؛ پادشاه ایران، که از نفوذ بیش از حد جنید و علاقه مردم نسبت به وی می‌ترسید، اقامت او را در ایران صلاح ندید و وی را به تبعید کرد و جنید به عثمانی رفت.
وقتی غزنویان (۳۶۶ و ۵۸۳ هجری) بر حکومت ایران دست یافتند، دوران تسلط ترکان بر این سرزمین آغاز شد و مذهب تسنن رونق گرفت و شدت عمل نسبت به تشیع فزونی یافت؛ اما پس از آن، در دوران خوارزم شاهیان و سلاجقه، نفوذ رجال شیعه در دستگاه دولتی باعث شد که بسیاری از ترکان به مذهب شیعه روی آورند.
نخستین حرکت جانبداری از تشیع، در دوره ایلخانیان پدید آمد؛ در این حرکت، تعدادی از علمای شیعه مقیم سایر کشورها به ایران آمدند و در همین دوران نام ائمه اطهار در سکه‌ها نقش بست و روستاییان و مهاجران آسیای صغیر، تشیع را با آغوش باز پذیرفتند.
موفق‌ترین پادشاه صفوی در اشاعه تشیع در ایران و کشورهای همسایه «شاه اسماعیل» بود؛ هنگامی که شاه اسماعیل به سلطنت رسید، مذهب شیعه را به صورت مذهب رسمی ایران اعلام کرد و هواخواهان بسیاری در منطقه آسیای صغیر به دست آورد.
در زمان شاه اسماعیل، تشیع در آسیای صغیر به دو صورت متجلی شد:

۱. قزلباش‌ها، که به تکیه اردبیل وابسته بودند و مرادشان اسماعیل بود.

۲. بکتاشی‌ها، که به تکیه حاجی بکتاش ولی وابسته بودند و مرشد ایشان «بایلم سلطان» بود.

تقویت روز افزون شاه اسماعیل و نفوذ معنوی او در میان ترکمن‌های آسیای صغیر، عثمانیان را به وحشت انداخت، به همین سبب «بایزید دوم» تعدادی از شیعیان را به مورا، گریخت، مودون و کورون تبعید کرد.
در زمان سلطنت «سلطان سلیم اول» در عثمانی، نفوذ تشیع در آن دوره در آسیای صغیر به حدی بود که حتی برخی شاهزادگان عثمانی به صف قزلباش‌ها در آمده و کلاه قرمز بر سر گذاشتند.

گفته می‌شود که سلطان سلیم برای مقابله با شیعیان و طرفداران اهل بیت (ع) به سوی بکتاشی‌ها روی آورد و با ملاطفت و مهربانی با آنان پرداخت؛ او همچنین «شیخ الاسلام ابن کمال» را واداشت که فتوایی بر ضد قزلباش‌ها صادر کند و پس از صدور این فتوا، دستور قتل افراد زیادی را صادر کرد و پس از آن، به فکر جنگ با شاه اسماعیل افتاد.
سلطان سلیم از این جنگ دو هدف عمده داشت؛ یکی این که او قصد داشت خاک عثمانی را از نفوذ شیعه پاک سازد و بر خراسان بزرگ مسلط شود و دوم آن که با فتح مصر، خلافت را به آل عثمان منتقل کند که با جنگ «چالدران» هر دو هدف او محقق شد و توانست از گسترش تشیع در آسیای صغیر جلوگیری کند.
پس از سقوط دولت صفوی، شیعیان آسیای صغیر به تدریج از ایران دور و در نتیجه از تشیع بیگانه شدند که این گسستگی در ادوار بعدی نیز ادامه یافت.
برای منشاء شیعیان منطقی وجود دارد که بر طبق آن حضور شیعیان در منطقه آناتولی را توجیه می‌کند:

«شیعیان امامی، که تحت فشار حکمرانان سنی حاکم بر شامات یا سوریه بزرگ بودند، متواری شده و به مناطق صعب الوصول کوهستانی و یا قصبات ذمی نشین پناهنده شد و بدین سان، رابطه آنان با مراکز علمی شیعه قطع شد و در طول زمان باورهای ایشان تحت تأثیر اعتقادات دیگر ادیان، مذاهب و اندیشه‌های رایج درآمد و گروهی از آنان بعدها علویان (۱) ترکیه (۲) را تشکیل دادند.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فعالیت‌های فردی و گروهی پراکنده اما فراگیر در میان علویان به مذهب اهل بیت (ع) آغاز گردید و اکنون روز به روز به تعداد شیعیان افزوده می‌شود. (۳)

تعداد و درصد شیعیان و مناطق شیعه نشین

شیعیان جعفری که شمار آنها نزدیک به یک و نیم میلیون نفر است، در نزدیکی مرزهای ایران سکونت دارند و برخی از آنها مهاجرانی هستند که از ایران به ترکیه رفته‌اند.
پراکندگی جمعیت شیعیان جعفری ترکیه را می‌توان به صورت زیر ذکر کرد:

۱. شرق و شمال شرقی ترکیه: در مرز ایران، ارمنستان و نخجوان، شهرها و روستاهای این منطقه؛ مانند شهرهای اغدیر، قارص، توزلوجا، آرالیک، تاشیلی‌چای، آکیاکا، و آریپچای بیشتر شیعه نشین هستند.

۲. شمال غربی ترکیه: بیشتر در شهرهای استانبول (۴)، بورسا و ازمیر سکونت دارند.

۳. مرکز ترکیه: بیشترین تجمع شیعیان جعفری در مرکز ترکیه در پایتخت این کشور، آنکارا و سایر شهرهای بزرگ است.

۴. غرب ترکیه: در شهرهایی چون ازمیر و تورگوتلو استان «قارص»، در شمال شرقی ترکیه، از مهم‌ترین محل‌های تمرکز شیعیان است و مردم این استان به زبانی نزدیک به زبان آذربایجان ایران سخن می‌گویند؛ هم‌چنین استان «اغدیر» نیز یکی از مراکز شیعیان جعفری به شمار می‌رود. (۵)

امروزه جعفریان به جز قارص و اغدیر در شهرهای استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا، یالوا، ازمیت، گیزه، توگوتلو و برخی شهرهای دیگر پراکنده شده‌اند.
درباره جمعیت علویان ترکیه، آمارهای کاملاً متفاوتی داده می‌شود؛ اگر تلاش کم‌نشان دادن جمعیت علویان از سوی غیر علویان ترکیه را نادیده بگیریم، نباید نظریه پیروان این مذهب را هم که همواره در تعداد نفوس خود مبالغه می‌ورزند، از نظر دور بداریم.

علویان جمعیت خود را حدود بیست میلیون می‌دانند، در حالی که غیر علویان تعداد آنها را پنج تا هفت میلیون نفر برآورد می‌کنند.

موقعیت شیعیان در ساختار حکومت

در کشور ترکیه میان شیعه و سنی نزاعی وجود ندارد، اما شیعیان همواره از سوی حکومت ها، به ویژه حکومت عثمانی تحت فشار بوده اند تا اینکه به دنبال استقلال جمهوری آذربایجان، میزان توجه حکومت نسبت به شیعیان جعفری ترکیه، که دارای قومیت آذری هستند، بیشتر شد و سیاست پردازان برای اقلیت، جای ویژه ای در معادلات سیاسی ترکیه گشودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولی بنیادین در جامعه شیعه جعفری ترکیه به وجود آمد، که نگاه اکثریت جامعه و توجه حکومت به این اقلیت مذهبی را به دنبال داشت. شیعیان جعفری این سرزمین، از خود فراموشی، به نوعی خود باوری رسیدند و برای دستیابی به منزلتی متناسب با میزان توجهی که در جهان اسلام و از جمله ترکیه به مذهب اصیل تشیع صورت گرفته بود، به تحرک درآمدند.

توده اهل سنت، تفاوت میان شیعه امامیه و علویان را دریافت و به ویژه در میان نسل جوان متعهد، نسبت به شیعیان متدین، صمیمیت و نزدیکی ایجاد شد. حکومت ترکیه با توجه به ارتباطات دیرین و رو به گسترش جامعه شیعه جعفری این کشور با حوزه های علمیه ایران و تأثیرات احتمالی این اقلیت کوچک بر اقلیتی بزرگ تر یعنی علویان، توجه خود را به سوی شیعیان جعفری معطوف نمود.

لازم به ذکر است که شیعیان ترکیه مسئولیت های مهمی در ارکان قدرت ندارند و بیشتر به مشاغل آزاد و غیر دولتی اشتغال دارند. وضعیت اقتصادی شیعیان

بیشتر شیعیان ترکیه وضع مالی و اقتصادی مناسبی ندارند؛ جامعه شیعیان جعفری از نظر اقتصادی نسبتاً فقیر محسوب می شوند و جزو طبقات محروم جامعه ترکیه به شمار می آیند.

منطقه اصلی جعفری نشین ترکیه، یعنی شرق و شمال شرقی آناتولی، از مناطق محروم این کشور به حساب می آید. شیعیان مهاجر، که از مناطق شرقی ترکیه به استانبول آمده اند، وضعیت اقتصادی خوبی دارند و برخی از این افراد عضو گروه زینبیه هستند و با توان اقتصادی خود گروه زینبیه را که یکی از گروه های شیعیان است، حمایت می کنند.

در آنکارا بیشتر شیعیان، کارمند دولت هستند و در استانبول، از میر و بورسا بسیاری از آنان مشاغل تجاری و تولیدی دارند. ولی در هر حال نمی توان گفت که شیعیان وضعیت مالی خوبی دارند، بلکه در سطح متوسط و پایین تر از آن، زندگی می کنند. پی نوشت:

۱. علویان ترکیه به ائمه اهل تشیع اعتقاد دارند، اما خود را به ندرت با اسم دیگری غیر از علوی می خوانند و تمایلی ندارند که شیعه خوانده شوند و حتی برخی شیعیان را متعصبان ایرانی می دانند. دین علویان از آن چنان انعطافی برخوردار است که پیروی از عقاید اهل سنت نیز برایشان قابل قبول می نماید:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=rw00020043609080513>

۲. ابوالقاسمی محمد جواد، اردوش حسین، ترکیه در یک نگاه، انتشارات الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ص ۱۴۰

۳. شایان ذکر است که بیشتر شیعیان مهاجر در استانبول سکونت دارند.

۴. پرند شادان، سبحانی زهرا، زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۸۰

۵. این مورد تنها چند بار اتفاق افتاد ولی در حال حاضر گفتن این عبارت در مساجد آزاد است.

پایان پیام.